



24 جولای 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

## سخنان استاد نگارگر در مورد شخصیت شهید محمد داؤد

شهید محمد داؤد اولین رئیس جمهور افغانستان یکی از شخصیت های چند بُعدی قرن بیست افغانستان است که خدمات او چه در دوره ده سال صدارت و چه قبل از آن و چه در دوره جمهوریت در این چند سال اخیر موضوع بحث محققان تاریخ و صاحب نظران امور سیاسی کشور قرار گرفته و هریک بزرگوار خود در زمینه ابراز نظر کرده است. یکی از شخصیت های دانشمند و فاضل افغان که خودش شاهد رویداد های دستکم شش دهه اخیر افغانستان بوده و در بین هموطنان شهرت بسزا دارد و صحبت های آبدار و پرمحتوایش در هر محفل شنونده را مجذوب خود می سازد، شخصیت ادیب، شاعر، عارف و یکی از مولانا و بیدل شناسان کشور همانا محترم استاد محمد اسحق نگارگر است که از نزدیک با ایشان معرفت و افتخار دوستی شانرا دارم. استاد نگارگر چندی قبل طی یک محفل شاندار که به مناسبت قدردانی از خدمات شهید محمد داؤد در لندن دائر شده بود و جم غفیری از بزرگان و علاقمندان هموطن در آن اشتراک داشتند، ضمن سخنرانی مبسوط خود در زمینه به نکاتی اشاره کرد که همه استوار بر منطق و مبتنی بر حقایق تاریخی بود. همین امروز کلیپ ویدیویی یک قسمت گفتار استاد نگارگر رادیده و متن آنرا به دقت شنیدم و نظر به اهمیت سخنان استاد، خواستم گفتار او را از روی کلیپ مذکور به قلم بکشم تا به حیث یک سند تاریخی درج اوراق تاریخ شود و به نسل موجود و نسل های بعدی پیشکش شود تا از حقایق آگاهی یابند و نیز کسانی که در تلاش تحریف واقعیت ها هستند، بخود آیند و سالم ببیندیشند.

### اینک شما و این هم متن گفتار استاد نگارگر:

«یکی از صوفیان ملامتیه می گوید که در صف ساده پرستان خرابات سفیر بد و تردامن و قلاش تر از من نبود، این نه قلاش بوده، نه تردامن بوده، لکن به خاطر ریاکاری که سر روزگارش مسلط بود، این نسبت ها را برای خود میداد.

در زمان صدارت داؤد خان و در زمان جمهوری داؤد خان یک مامور بیچاره اگر میخواست رشوت بگیرد، ستون فقراتش می لرزید، با بسیار ترس و لرز از دفتر بیرون می برآمد و در کدام گوشه ای پیسه را میگرفت، با دست لرزان و در دل نگران در جیب خود می برد. کدام کسی وقتی از سردار داؤد خان شنیده بود که [گفته بود] در مملکت فساد است، رشوت است، ریاکاری است، دروغ است و لکن من چاره اش را کرده نمیتوانم. هرگز نی!

سخن گفتن درباره داؤد خان کار آسان نیست، کاری بسیار مشکل است. در این مشکل، مشکل اول اینست که در جامعه اش داؤد خان را شهرت دادند که این دیوانه است. راستی هم داؤد خان دیوانه بود، لکن از قماش همان دیوانه هائیکه بیدل درباره شان می گوید:

به کام عشرتم گر واگذار دگرش دوران

دو عالم میدهم بر باد و یک دیوانه می سازم

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

داؤد خان دیوانه بود، از خاطری که عشق در جنون او بود همیشه. عرفای ما میگویند که به حساب همان آیه کریمه "لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم".

در وجود یک انسان نورمال تمام نیروها بیلانس شده، در او تمام خوبی ها و بدیها بیلانس شده و در آنجا عشق و عقل هم بیلانس شده. اگر عشق غلبه کرد، کار به جنون می کشد که حضرت بیدل میگوید:

**با آن ستم زده، بیدل ز عالم اوهاج**

**چه ظلم رفت که مجنون نشد، فلاطون شد**

اگر عشق غلبه کرد، آدم مجنون را از افلاطون ترجیح میدهد؛ لکن اگر عقل غلبه کرد، انسان دچار عقل مصلحت بین میشود که عقل مصلحت بین جز خود و جز منفعت خود دیگر چیزی را نمی بیند. و این را برایتان میگویم که داؤد خان عاشق بود، عاشق فرهنگ خود، عاشق حیثیت و غرور ملی خود و بالاخره عاشق نام افغانستان بود، عاشق فرهنگ خود بود. او سه دختر داشت، طرف نامهای شان سیل [نگاه] کنید: درخانی، شینکی زرلشتی. این علاقمندی اش است به فرهنگ افغانی اش.

هروقتیکه غرور ملی افغانها مورد شک و تردید کدام مقام خارجی قرار گرفته، در آنجا داؤد خان به قاطعیت عمل کرده. یادم می آید که فلم معروف "جمیله یو پاشا" [زن قهرمان الجزایری که در برابر استعمار فرانسه در آن کشور قهرمانانه رزمید] را در سینمای پامیر در کابل نمایش میداد، روزگار صدارت داؤد خان بود. شارژدافیر فرانسه پوستر جمیله بوپاشا خوشش نیامد و آنرا کش کرده و پاره کرده بود و داؤد خان گفته بود که در 24 ساعت از خاک برای [بیرون شو].

داؤد خان در فرانسه درس خواند بود، زبان فرانسوی می فهمید. آدم اگر در یک مملکت درس بخواند، تاحدی زیر تأثیر آن مملکت می رود. لکن برای داؤد خان در مقابل حیثیت و غرور ملی افغانستان هیچ چیز ارزش نداشت، نه درس خواندنش در فرانسه، نه صحبت کردن فرانسوی اش و نه چیز دیگر. فقط احساس می کرد که این غرور و این حیثیت ملی باید پایمال نشود.

یکی دو مورد دیگر هم از تجلی این غرور ملی را در سیاست داؤد خان خدمت شما عرض میکنم، گرچه محترم سفیر صاحب بسیار به دقت این مسئله را بررسی کرد.

افغانستان یک نماینده اش در ملل متحد مرحوم عبدالحسین خان عزیز بود و سردار محمد نعیم خان مرحوم سفیر امریکا بود. افغانها می خواستند که از امریکائی ها اسلحه بخرند، لکن امریکائی ها سه شرط عمده در خریدار اسلحه ماند:

شرط اول این بود که اول برای ما پول اسلحه را بدهید، بعد ما اسلحه را میدهیم و افغانستان بیچاره اینکار را کرده نمیتوانست؛

شرط دوم این بود که ما اسلحه را در یکی از بنادر امریکا برای تان تسلیم می کنیم، خود تان میدانید و انتقال آن تا افغانستان؛

شرط سوم و بسیار مهم این بود که شما کتی [همراه] امریکا تعهد میکنید که این اسلحه را برضد متحد امریکا یعنی پاکستان که عضو پیمان ناتو بود، بکار نمی برید.

داؤد خان امریکا و شوروی را هر دویش را مثل دو دکاندار فکر میکند و میگوید بسیار خوب ما با این شرایطی که شما میخواهید، اسلحه نمی خریم.

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

یک ایرادی که مردم سر داؤد خان گرفتند و حتی بعضاً یکی دو کتاب هم در مورد نوشته کرده اند، این بوده که داؤد خان بود که افغانستان را طرف اتحاد شوروی برد.

من شرایطش را خدمت شما عرض میکنم، لکن مسئله عمده تر اینست که اگر ما و شما یک مسئله را منطقی فکر کنیم، آیا شما از دکاندار همسایه تان که به شما سودا ارزانتر می فروشد، خرید می کنید، یا بسیار دور می روید؟

برای داؤد خان روسها دکاندار همسایه بودند که اسلحه را برایش ارزانتر می دادند و با افغانها کمک میکردند. داؤد خان این را پذیرفت. لکن در روزی که برژنف آزادی افغانها را مورد شک قرار میدهد و برای داؤد خان میگوید که: مشاورین ناتو و به اصطلاح روسها جاسوس های سازمان سیا در شمال افغانستان می آیند و این برضد امنیت اتحاد شوروی است، داؤد خان برایش میگوید که این مملکت از ما است و آزاد است و این فیصله را ما میکنیم که کی در کجا کارکند. پس از مجلس برژنف می خیزد.

یک دفعه برعکس اش را فکر کنید: اگر داؤد خان برای برژنف می گفت که به هر دو دیده من برای متخصصین ناتو یا فرض میکنم به اصطلاح شما [روسها] برای جاسوس های سی آی ای اجازه نمیدهم که در شمال افغانستان بیایند و کار کنند، اصولاً کودتای 7 ثور رخ نمیداد، اصولاً داؤد خان کشته نمی شد.

اما آنچه را می بینید داؤد خان حتی ملت خود را هم بیدارباش میدهد و برای شان میگوید که شما در سخت ترین پیکار تاریخ پرافتخار خود همت عالی را از دست نداده اید و غرور ملی را از دست نداده اید، پس همت عالی و غرور ملی دو مسئله بسیار عمده بود برای داؤد خان که در آن مورد سازش کرده نمیتوانست. « [روح این مرد بزرگ ملی شاد و یادش گرامی بادا]

ختم کلیپ منتشره در فیسبوک که از طرف تلویزیون NTV تهیه و بوسیله یک هموطن عزیز همین امروز با دوستان شریک ساخته شد که نظر به اهمیت موضوع متن گفتار آنرا به قید قلم آورده و خدمت علاقمندان عزیز فوقاً تقدیم داشتیم و امید است مورد استفاده و دقت قرار گیرد.